

The Implications of Allameh Tabataba'i's Theory of "I'tibariyat" for Development as Social Action Polic-making¹

Alireza Hosseinzadeh Deilami² 

Ahmad Vaezi³ 

Seyyed Mohammad Hossein Hashemian⁴ 



2. PhD Candidate in Cultural Policy-Making, Department of Strategic Management, Baqir al-Olum University, Qom, Iran (Corresponding Author).

Email: ah.deylami@gmail.com;

3. Professor, Department of Applied Philosophy, Baqir al-Olum University, Qom, Iran.

Email: vaezi@bou.ac.ir

4. Associate Professor, Department of Strategic Management, Baqir al-Olum University, Qom, Iran.

Email: hashemi1401@gmail.com

Abstract

The people's support or lack thereof for an idea or policy is a function of their will and choice, which, in turn, is inseparable from the public culture and shared mindset of society. This makes the reliance of policy-making on a cultural theory inevitable. Accordingly, this article seeks to re-examine Allameh Tabataba'i's theory of I'tibariyat (considerations) as a branch of Islamic-Iranian wisdom in the field of human action and examine its implications for cultural policy-making. The research employs

* This article is extracted from a PhD dissertation titled: "The Policy Theory of Islamic-Iranian Progress Based on Allameh Tabataba'i's Theory of Considerations."

1. **Cite this article:** Hoseinzadeh-Deylami, A., Vaezi, A., & Hashemian, S. M. H. (2024). The Implications of Allameh Tabataba'i's Theory of "I'tibariyat" for Development as Social Action Polic-making. *Journal of Islam and Social Studies*, 12(46), pp. 7–39.
<https://doi.org/10.22081/JISS.2024.68594.2076>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). * **Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 16/02/2024 • **Revised:** 15/09/2024 • **Accepted:** 21/10/2024 • **Published online:** 18/12/2024

© The Authors



a documentary method for data collection and uses content analysis within a logical analysis framework. Reflection on the realization of social action in this context leads to a socially constructed and verifiable conception of the future of action, framed as socio-economic games that serve as "a shared linguistic framework for the production and exchange of value in society." Ultimately, this formulation provides a distinct social and policy process for constructing collective action.

Keywords

I'tibariyat, Culture, Social Action, Policy-Making for Progress.



دلالت‌های سیاسی نظریه اعتباریات علامه طباطبائی رحمته‌الله

برای پیشرفت به مثابه کنش اجتماعی^۱

علیرضا حسین‌زاده‌دیلمی^۲ احمد واعظی^۳ سیدمحمدحسین هاشمیان^۴

۲. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی، گروه مدیریت راهبردی دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، قم، ایران (نویسنده مسئول).

ah.deylami@gmail.com; Orcid: 0009-0008-4982-7689

۳. استاد، گروه فلسفه مضاف، دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، قم، ایران.

vaezi@bou.ac.ir; Orcid: 0009-0001-3316-4381

۴. دانشیار، گروه مدیریت راهبردی دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، قم، ایران.

Email: hashemi1401@gmail.com; Orcid: 0000-0002-1467-1118



چکیده

همراهی یا عدم همراهی مردم با یک اندیشه یا سیاست، تابعی از اراده و انتخاب آنهاست و اراده عمومی از فرهنگ عامه و ذهنیت مشترک جامعه جدا نیست. همین امر اتکای سیاست‌گذاری به یک نظریه فرهنگی را اجتناب‌ناپذیر می‌کند؛ ازاین‌رو در این مقاله تلاش شده است ضمن بازخوانی نظریه اعتباریات علامه طباطبائی علیه‌السلام به مثابه شاخه‌ای از حکمت ایرانی - اسلامی در زمینه کنش انسانی، دلالت‌های این نظریه برای سیاست‌گذاری فرهنگی، مورد بررسی قرار گیرد. در این پژوهش گردآوری اطلاعات به روش اسنادی بوده و تحلیل محتوا در چارچوب تحلیل منطقی انجام شده است. تأمل در چگونگی تحقق کنش اجتماعی در این چارچوب، به برساخت اجتماعی قابل تصدیق و تجربه‌پذیر از آینده کنش در قالب

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان: «نظریه سیاسی پیشرفت اسلامی ایرانی بر مبنای نظریه اعتباریات علامه طباطبائی علیه‌السلام است.

۱. **استناد به این مقاله:** حسین‌زاده‌دیلمی، علیرضا؛ واعظی، احمد؛ هاشمیان، سیدمحمدحسین. (۱۴۰۳)، دلالت‌های سیاسی نظریه اعتباریات علامه طباطبائی علیه‌السلام برای پیشرفت به مثابه کنش اجتماعی. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۲(۴۶)، صص ۷-۳۹.
<https://doi.org/10.22081/JISS.2024.68594.2076>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) © نویسندگان
□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۷ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۳۰ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۹/۲۸



بازی‌واره‌های اجتماعی - اقتصادی به مثابه «چهارچوب زبانی مشترک برای تولید و تبادل ارزش در جامعه»، رهنمون می‌شود و در نهایت این صورت‌بندی، فرایند اجتماعی و سیاستی متفاوتی را برای ساخت کنش جمعی ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها

اعتباریات، فرهنگ، کنش اجتماعی، سیاست‌گذاری پیشرفت.



۱. مقدمه

اگر بپذیریم که کنش اجتماعی هم‌سو و هم‌افزا پایه و اساس تکامل تاریخی جامعه است و این هم‌سویی بدون داشتن انگاره مشترک از آینده‌ای خواستنی و دست‌یافتنی ممکن نیست، باید به این پرسش پاسخ گفت که انگاره عمومی از مقصد و مسیر پیشرفت مطلوب چگونه ساخته می‌شود؟

پاسخ به این پرسش به‌خصوص وقتی پیشرفتی که جهان غرب در عصر تجدد آن را به تصویر کشید و تجربه کرد، کمال مطلوب انگاشته نشود، محتاج یک نظریه فرهنگی مستقل و رهنمودهای آن برای سیاست‌گذاری پیشرفت است و نظریه اعتباریات علامه طباطبایی علیه السلام چارچوبی است که به سبب داشتن مبانی معرفتی متمایز اسلامی ایرانی و نیز دلالت‌های انضمامی خاص خود درباره فرهنگ و کنش اجتماعی، برای این منظور مناسب به نظر می‌رسد.

در میان سوابق پژوهشی که مانند این مقاله نظریه اعتباریات را با محوریت مسئله کنش بازخوانی و تحلیل کرده‌اند، مواردی چند قابل ذکرند؛ از جمله: مقاله «کنش متقابل اجتماعی از منظر علامه طباطبایی علیه السلام» که صرفاً تبیینی متفاوت کنش از منظر نظریه اعتباریات را به مثابه ظرفیتی برای پیش‌بینی و همچنین سیاست‌گذاری الگوهای رفتاری توصیف نموده است (ابراهیمی‌پور، ۱۳۹۳). در پایان‌نامه دکتری با عنوان «تحلیل کنش اجتماعی مبتنی بر نظریه اعتباریات علامه طباطبایی با تمرکز بر مسئله معنا به عنوان مقوله محوری در نظریه‌های کنش»، بهره‌مندی توأمان نظریه اعتباریات از امکان‌های عقلانیت جزئی و عقلانیت قدسی به عنوان یک وجه امتیاز نسبت به مکاتب جامعه‌شناختی برای حفظ معناداری جهان‌اجتماعی یاد شده است (روحانی، ۱۳۹۵). مقاله «فلسفه عمل با نگاهی به دیدگاه علامه طباطبایی در رساله المنامات و النبوات، نشان می‌دهد چطور رویکرد تشکیکی و مراتبی علامه در نظریه اعتباریات (برخلاف رویکرد پوزیتیویستی و رویکرد امثال ویتگنشتاین)، به رغم یکسان‌انگاشتن اصول وجودی کنش، ظهور متفاوت آن به تناسب مراتب وجود را تبیین می‌کند» (کیاشمشکی، ۱۳۹۶)، و دست آخر مقاله «دلالت‌های نظریه

اعتباریات علامه طباطبایی برای فرهنگ» (حسین زاده دیلمی و همکاران، ۱۴۰۳) با ارائه توصیف و تبیینی متفاوت از ماهیت و دلالت‌های اجتماعی فرهنگ و نسبت آن با کنش انسانی، کوشیده است چارچوبی برای صورت‌بندی یک نظریه فرهنگی اسلامی ایرانی فراروی نهد.

در عین حال پژوهش حاضر از آن جهت که دلالت‌های نظریه اعتباریات را به مثابه یک نظریه فرهنگی برای سیاست‌گذاری کنش اجتماعی بررسی کرده است، نسبت به آثار ذکر شده واجد نوآوری است.

از لحاظ چارچوب مفهومی، نظریه اعتباریات در تناظر با مضامین مشترک نظریه‌های فرهنگی دلالت‌هایی دارد (حسین زاده دیلمی و همکاران، ۱۴۰۳) که با توجه به آنها، نظریه فرهنگی پیشرفت باید چگونگی ایجاد محیط مساعد و ذهنیت اجتماعی موافق پیشرفت را به گفتگو بگذارد. در همین راستا ابتدا با استفاده از گزارش فردریک میر^۱ درباره راه‌حل‌هایی که نظریه‌های کنش برای رفع موانع همکاری اجتماعی ارائه کرده‌اند، دلالت‌های نظریه اعتباریات برای رفع این موانع را در معرض یک مقایسه اجمالی قرار می‌دهیم و با تمرکز بر رابطه اعتبار با تعاملات اجتماعی و ذهن و زبان جامعه به تبیین و تشریح سویه‌های کارکردی این نظریه می‌پردازیم و در نهایت از گام‌های اصلی سیاست‌گذاری پیشرفت به مثابه کنش جمعی در چارچوب نظریه اعتباریات، رونمایی می‌کنیم.

استخراج سویه‌های کارکردی نظریه از دلالت‌های فرهنگی اجتماعی آن، به کمک روش تحلیل محتوا با دو رویکرد کمی و کیفی قابل انجام است. رویکرد این مقاله هم برای تحلیل محتوای نظریه اعتباریات معطوف به موضوع، کیفی است؛ رویکردی که با جستجوی روابط بین کلمات، بیشتر به مضامین نهان متن و استنباط معنا از آن نظر

۱. (Fredrik Meyer) (استاد سیاست‌گذاری عمومی، علوم سیاسی و محیط زیست دانشکده‌ی علوم سیاسی سنفورد دانشگاه دوک)، «منفعت جمعی»، «انگیزه همکاری»، «خاطر جمعی» و «هماهنگی» را به عنوان چالش‌های همکاری اجتماعی معرفی و نظریه‌های کنش جمعی را بر اساس راه‌حل‌هایشان برای این چالش‌ها قابل مقایسه می‌داند (میر، ۱۳۹۹، ص ۶۴).

دارد (مؤنی‌راد و همکاران، ۱۳۹۲، صص ۱۹۰-۱۹۶)؛ همچنین اطلاعات و داده‌های این مقاله نیز با تکنیک کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده‌اند.

۲. یافته‌ها

یافته‌های این تحقیق شامل سویه‌های کارکردی نظریه‌اعتباریات در زمینه ساخت اجتماعی کنش و دلالت‌های سیاسی این نظریه برای ساخت کنش اجتماعی در قالب گام‌های اصلی در سیاست‌گذاری پیشرفت به مثابه کنش جمعی صورت‌بندی می‌شود که در ادامه به آنها پرداخته شده است.

۲-۱. همکاری اجتماعی از دیدگاه نظریه‌های کنش

فردریک میر نظریه‌های کنش جمعی را در قالب سه مکتب: انتخاب عقلانی، نهادگرایی و ساخت‌گرایی طبقه‌بندی کرده و مواضع آن‌ها را در قبال چالش‌های همکاری اجتماعی، بررسی کرده است. وی نظریه‌های مزبور را یا به‌خاطر مفروضات ناسازگارشان با جهان واقعی یا انکار عاملیت فردی و نادیده گرفتن بازنمودهای ذهنی در ساخت طرح‌واره‌های مشترک و یا مبهم گذاشتن نقش قاب‌های فرهنگی در برانگیختن کنش جمعی، به نقد کشیده و درنهایت با ارائه نظریه جدیدی به تبیین نقش بی‌بدیل روایت در حل چالش‌های همکاری از طریق برانگیختن عواطف، جلب توجه‌ها، ایجاد حس مشترک و تصویرسازی از نحوه عمل متقابل، پرداخته است (میر، ۱۴۰۱، صص ۶۳-۹۳ و ۱۶۹-۲۳۲).

درعین حال می‌توان گفت: نظریه روایت میر با بی‌توجهی به مرز واقعیت و ناواقعیت در بساخت ذهنیت مشترک، نسبت به سوءاستفاده احتمالی روایت‌پردازان از روایت برای فریب جامعه بی‌تفاوت است؛ همچنین نقشی که برای روایت در ایجاد اطمینان متقابل و هماهنگی اجتماعی در نظر می‌گیرد بیشتر با شرایط کنش‌های جمعی نمادین نظیر راهپیمایی یا واکنش‌های پرشور دسته‌جمعی له یا علیه یک سیاست خاص تناسب دارد؛ درحالی‌که تعامل هماهنگ و پایدار برای ساختن آینده‌ای که در روایت ترسیم

می‌شود، بدون چارچوب‌های نهادی انسجام‌بخش که مقارن با همان روایت باشند، به سختی قابل تصور است.

با توجه به نارسایی‌های نظریه‌های کنش در رفع چالش‌های همکاری جمعی برای آنکه به راه‌حل‌های نظریه‌های اعتباریات برای این چالش‌ها دست پیدا کنیم، در ادامه به ساختار اجتماعی کنش در این نظریه می‌پردازیم.

۲-۲. سوبیه‌های کارکردی نظریه اعتباریات علامه طباطبایی در زمینه ساخت اجتماعی کنش

اعتبار به مثابه نوعی سازه ذهنی مشترک میان همه انسان‌ها، کارکردی شبیه به ساخت اجتماعی در تعبیر گیدنز (گیدنز، ۱۹۸۴م، ص ۱۰) دارد که به مثابه قوانین، نظام‌ها و الگوهای اجتماعی، فضای زمینه‌ای فعالیت‌های اجتماعی را می‌سازد. این زمینه، که مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و امکان‌ها در خود دارد، برای کنش اجتماعی مرزهایی را ترسیم می‌کند که با رعایت آن بتوان با هزینه کمتر، بهترین نتیجه را حاصل کرد (حسینی و موسوی، ۱۳۹۵). حال برای درک بهتر کارکردهای این ساختار به بررسی نسبت‌های آن با تعاملات اجتماعی، تفهیم و تفاهم و وجود ترکیبی و تشکیکی جامعه خواهیم پرداخت.

۲-۲-۱. اعتباریات و تعاملات اجتماعی

طبق دیدگاه علامه پیشرفت تمدن و ساختار زندگی حاصل تکثیر اعتبارات است (طباطبایی، ۱۴۰۱، ص ۱۰۱) و اعتبارات متعدد اجتماعی که از نیازهای مترتب بر زندگی جمعی نشأت می‌گیرند (نک: علامه طباطبایی، ۱۳۹۱، صص ۵۴-۵۶)، همگی از یک اصل طبیعی به نام استخدام به مفهوم به خدمت گرفتن و به خدمت درآمدن برای رفع متقابل نیازها (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۲، صص ۲۲۲-۲۲۳)، منشعب می‌شوند که واسطه میان اصل حرکت و اعتبار اجتماع محسوب می‌شود (پیغامی و حسینی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۲). اما به تعبیر علامه (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۹۶): «چون اصل استخدام، هم عامل تشکیل اجتماع و هم عامل اختلاف است، نمی‌تواند رفع‌کننده اختلاف هم باشد؛ از این رو خداوند با ارسال رسل و شرایع، این

اختلافات را حل می کند». یعنی اقتضای طبیعت انسانی به شکل گیری جامعه و ضرورت فرمان‌روایی رهنمون می شود:

انسان پیوسته از همه سود خود را می خواهد	اعتبار استخدام
و برای سود خود سود همه را می خواهد	اعتبار اجتماع
و برای سود همه عدل اجتماعی را می خواهد	اعتبار حسن عدل و قبح ظلم

به این ترتیب کارکرد «حل اختلاف اجتماعی» که در اندیشه علامه از کارکردهای ادیان الهی و از شئون رهبران آسمانی است (طباطبایی، ۱۳۸۹، صص ۵۲-۵۳) در چارچوب یک سازمان فرمان‌روایی و فرمان‌برداری اجتماعی ترسیم می شود که بیرون و درون تمام ادراکات اجتماعی و به تبع آن جریان اراده عمومی را فرا می گیرد (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۲، صص ۲۰۶-۲۲۳). این یعنی برای تضمین آنچه توافق طرفینی (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۰۷) یا بقای بین‌الذنهانی اعتبارات اجتماعی نزد دو طرف استخدام (استخدام‌کننده و استخدام‌شونده) خوانده می شود (واعظی و معلمی، ۱۳۹۸، صص ۱۵-۱۶)، به ساختاری برای سازگار کردن این همان‌انگاری‌های اجتماعی نیاز است.

۲-۲-۲. فرمان‌روایی اجتماعی و ذهن و زبان جامعه

همچنان که تنها مجرای ارتباط آدمی با جهان مادی بیرونی، اعتبار یا شبیه‌سازی ذهنی است (طباطبایی، ۱۳۹۸، ص ۴۰ و طباطبایی، ۱۳۹۱، صص ۵۵-۵۶)، تنها راه ارتباطی با انسان در جهان مادی هم راه یافتن به احساسات درونی و ادراکات ذهنی اوست. آنگاه جامعه برای آنکه به احساسات درونی فرد و بازنمایی‌های ذهنی او راه پیدا کند، محتاج زبان به مثابه واسطه نقل و انتقال معنا و محیط تفهیم و تفهم است (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۲، صص ۲۱۸-۲۱۹)؛ البته علامه بر خلاف جان سرل (جان سرل، ۱۴۰۱، صص ۸۳، ۱۰۲، ۱۴۳، ۱۴۸، ۲۲۳، ۲۲۸)، اعتبار را یک عمل زبانی در نظر نمی گیرد؛ اما می‌توان گفت زبان را ابزاری می‌داند که پیرو افزایش سطح پیچیدگی اعتبارات اجتماعی به بالاترین میزان در میدان وسیع تفهیم و

تفاهم مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ همچنین در چارچوب نظریه اعتباریات علامه می‌توان اعتبار زبان را اولین مرحله در ایجاد اجتماع قلمداد کرد و اعتباریات زبانی را اولین اعتباراتی به حساب آورد که در همه اعتباریات اجتماعی حضور دارند (اولیانی، ۱۳۸۹، صص ۱۷۳، ۲۱۴ و ۲۳۴).

از طرفی آنچه در نظریه سرل به عنوان حرکت زبانی نمادساز مطرح است، در نظریه اعتباریات علامه به منزله یک معادله میان مشبه و مشبه‌به مطرح شده است که در قالب استعاره یا مفاهیم و قضایای استعاری سبب تداعی معنا و تهییج احساسات درونی شده و کنش و آثار مترتب بر آن را در پی می‌آورد (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۲، صص ۱۵۵-۱۶۱). این همان کارکردی است که میر برای روایت در نظر می‌گیرد. روایت هم به مثابه فرهنگ و متنی که معنا در بطن آن زاده و پرورده می‌شود، در جامعه ظهور می‌یابد و هم ابزاری است برای خلق معنا و امکان‌بخشی به عاملیت فردی در جامعه که می‌تواند در دسترس کسانی قرار گیرد که می‌خواهند اجتماع را متقاعد کنند در چیزی منفعت دارد. به قول میر وقتی هم قدرت روایت را [به عنوان یک نیروی اجتماعی] و هم امکان‌پذیری عاملیت را بپذیریم، فضایی برای سیاست‌ورزی با روایت باز می‌کنیم (میر، ۱۴۰۱، ص ۱۸۸).

۲-۲-۳. مراتب تشکیکی وجود و ادراک در جامعه

نکته دارای اهمیت در اینجا اینکه ماهیت ساختاری سازه‌های اعتباری را محتواهای ابتکاری می‌سازند که از توافق عقلا و از مجرای معرفتی غیرعقلانی (اعم از حسی، خیالی و وهمی) اخذ می‌شوند (حسینی و موسوی، ۱۳۹۵) و اساساً افراد جامعه هم از حیث مرتبه وجودی و توان ادراکی در طبقات گوناگونی جای می‌گیرند (طباطبایی، ۱۴۰۱، ص ۴۵ و طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۲، صص ۱۵۲-۱۵۳ و نیز طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۱، صص ۹۱-۹۳) و فهم و درک مطالب عقلی برای بیشتر مردم که با امور محسوس انس دارند، کمیاب و دشوار است (طباطبایی، ۱۴۰۱، ص ۹۵)؛ از این رو می‌توان گفت ظرفیت تبدیل شدن به یک روح فراگیر جمعی، از آن فرهنگی می‌شود که سعه لازم برای جای دادن تمام مراتب ادراکی از حسی تا

عقلانی را در خود داشته باشد و به تعبیر علامه (طباطبایی، ۱۳۸۹، ص ۹۷) همه حالات آدمی را در همه جا در بر بگیرد.

بنابراین چندان که علامه به «حکم کردن ذهن از روی تلقین و تداعی معانی تا پیش از یافتن توانایی استدلال منطقی» (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۱۵۴)، «گرایش طبیعی عامه مردم به پیروی از احساسات» (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۱۸۲)، «روحیه تقلیدی عموم مردم نسبت به افراد مترقی» (طباطبایی، ۱۴۰۱، ص ۱۳۵)، «دشواری تمیز برهانی حق از باطل و صدق از کذب برای ایشان و نیاز به معجزه و خرق عادت به عنوان یک قدرت‌نمایی محسوس برای مجاب کردن بسیاری از مردم عامی و حتی خواص» (طباطبایی، ۱۴۰۱، صص ۱۵۵-۱۵۶)، و همچنین «نقش مدل‌ها در برنامه‌نویسی ذهنی انسان‌ها» (کیاشمشکی، ۱۳۹۵) تصریح دارد، لازمه ظهور چنین فرهنگی آن است که «عقلا» (طباطبایی، ۱۴۲۸، ص ۳۵۱)، برای میدان‌داری در تولید و تبادل معنا بر پایه فطرت مشترک انسانی و در جهت خیر و منفعت واقعی انسان، مجال بیش‌تر و تلاش افزون‌تری داشته باشند و بتوانند ابتدا ذهنیت اجتماعی را نسبت به معنای معقول خود متوجه سازند و سپس هرچه بیشتر آن را برای تصدیق معنای مورد تفاهم، مجذوب کنند تا با افتادن ابتکار یک زیست جهان‌ذهنی و زبان مشترک به دست آنان که داناترند، هر موهوم اختراعی یا القایی (طارمی و همکاران، ۱۴۰۰) اراده و عمل افراد را به جانب نیستی نبرد و عقل از توان تکلم با زبان مشترک جامعه، فروماند و هم‌زبانی آن‌ها را برای جامعه‌سازی و جهان‌داری (طباطبایی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۰) از دست ندهد.

۲-۳. ضرورت‌های شناختی و برساختی در ساخت اجتماعی کنش

حال با توجه به اینکه عامل اختلاف‌انگیز شدن و انحراف استخدام‌ها، بازمودهای نامناسب و ناکارآمد هستند و با ملاحظه تفاوت مراتب ادراکی در جامعه، برای گرویدن جامعه به جانب اعتدال به واسطه بازمودهای معقول، می‌بایست امکان انتقال ذهن‌ها از تصویرهای برساختی موهوم و مشوش به تصویرهای برخاسته از تصدیق‌های عقلایی را در مرتبه مشترک ادراک فراهم کرد تا از این رهگذر تعاملات اجتماعی به نیازهای

واقعی تر و مهم تر، و نیز پاسخ‌های کارآمدتر به آن‌ها، سوق پیدا کنند. این یعنی همان مدیریت شیب اجتماعی (الوانی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۹۵) در نقطه تعادل است و برای این منظور، از دو وجه عمده در ساخت اجتماعی کنش نمی‌توان غافل شد:

۱-۳-۲. بینادذهنی بودن

چندان که مشخص شد تا وقتی اهمیت و فوریت یک نیاز، یا فایده‌مندی و مطلوبیت یک پاسخ به انگاره مشترک در نیاید، زمینه‌ای برای کنش اجتماعی معطوف به آن‌ها وجود نخواهد داشت. این منظر به کنش، آشکارا با ایده دورکیم در مورد عینیت شیئی گونه واقعیت اجتماعی (جلانی‌پور و محمدی، ۱۳۹۴، ص ۴۵) در تضاد است و چندان که نظریه پردازانی مثل برگر و لاکمن جامعه را برساختی فرهنگی یا نمادین و جهان‌های اجتماعی را محصول تعاملات زبانی و میان‌ذهنی انسان‌ها تلقی نموده‌اند (سیدمن، ۱۳۹۵، صص ۱۱۲-۱۱۳) یا فردریک میر (میر، ۱۴۰۱، ص ۶۳) که کنش جمعی را به نوعی هم‌گرایی حول فهمی مشترک از منافع وابسته می‌داند، ارتباط اجتماعی و کنش جمعی در چارچوب نظریه اعتباریات هم از مجرای فهم مشترک حاصل می‌شود. البته با این تفاوت که نظریه اعتباریات وقتی به مقوله واقعیت می‌پردازد اولاً، همه واقعیت را به واقعیت اجتماعی فرو نمی‌کاهد؛ ثانیاً، واقعیت اجتماعی را در امتداد واقعیت نفس‌الامری و منتهی به آن قابل تحلیل می‌داند؛ همچنین براساس رهنمودهای نظریه اعتباریات تصدیق ذهنی فایده‌مندی امور، به استناد تجربه‌های مختلف گذشته و نتایج حاصله از کنش‌های قبلی صورت می‌پذیرد (کیاشمشکی، ۱۳۹۶)؛ اعم از آنکه آن تجربه محصول مستقیم عمل فرد یا نوعی قابلیت شبیه‌سازی و بازنمایی تجارب دیگران در ذهن باشد؛ چراکه به هر حال در هر تماس نفس آدمی با معنا، پای حکایت‌گری با صورت‌های حسی (طباطبایی، ۱۴۰۱، ص ۱۱۹) و روایت در میان است. چندان که از طریق هم‌ذات‌پنداری با شخصیت‌های یک داستان، در احساس پیروزی یا شکست آنها شریک می‌شویم؛ بنابراین برای تصدیق‌پذیر کردن فایده‌مندی یک نحو کنش جمعی باید بتوان در قاب روایتی مشترک تجارب گذشته و چگونگی وقوع ناکامی‌ها و کامیابی‌های احتمالی

آینده تحت تأثیر همراهی یا عدم همراهی جامعه را بازنمایی کرد. این بازنمایی کارکردی شوق‌انگیز، معنابخش، هویت‌آفرین و افق‌گشا دارد که در طول تاریخ دور و نزدیک بشر بارها و بارها در هر دو جهت خیر و شر مورد بهره‌برداری راهبران کنش‌های اجتماعی قرار گرفته است و می‌گیرد. «چه چیزها در طول تاریخ که با همین ابزار، ناچیز شده و چه بی‌ارزش‌هایی که ارزش انگاشته شده است» (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۱۶۱)؛ از همین رو در دیدگاه علامه، فرهنگ یا مجموعه بازنمایی‌های بینادذهنی جامعه، زمانی روایت‌گر پیشرفت و سعادت جامعه خواهد شد که از تبادل آزاد و مستدل آرا و اندیشه‌های معقول برآید و در مقابل، جامعه بدون کنجکاوی، بحث انتقادی و تعقل و تفکر آزاد و منطقی، به فقر فرهنگی دچار و از پیشرفت محروم خواهد ماند (طباطبایی، ۱۳۸۲، صص ۲۲۸-۲۳۶ و طباطبایی، ۱۳۸۹، صص ۳۴-۳۸).

۲-۳-۲. تجربه‌پذیر بودن

برای آنکه یک انگاره عمومی از منفعت، موفقیت یا سعادت به همکاری مداوم و هماهنگی مستمر همه افراد و قشرهای جامعه در مسیر هدف بینجامد، باید تجربه‌پذیر باشد و در جریان تجربه‌های مکرر، قابلیت بازنمایی دوباره و چندین و چندباره پیدا کند؛ از این رو اعتبارات اجتماعی به عنوان برساخت‌های میان‌ذهنی که در اندیشه علامه از واقعیت‌های موجود فراذهنی متأثر هستند و به ایجاد واقعیت‌های جدید فراذهنی نیز می‌انجامند (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۲، صص ۱۶۵-۱۶۶ و طباطبایی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۷) و واسطه ادراک، اراده و عمل انسان به حساب می‌آیند (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۲، صص ۲۰۰، ۲۱۴-۲۲۳)، علاوه بر بُعد مفهومی و معنابخش خود، از یک بعد ساختاری و شکل‌دهنده به رفتار هم برخوردارند؛ یعنی هم به مثابه ابزار و هم به عنوان الگو و متن قابل درک‌اند. این مطلب شبیه مفهوم «دوگانگی ساختاری» گیدنز است (سیدمن، ۱۳۹۵، صص ۱۹۱-۱۹۲): ساختارهای اجتماعی هم وسیله کنش‌اند و کنش را ممکن می‌سازند، و هم خود به وسیله کنش اجتماعی بازتولید می‌شوند. برای مثال همین زبان که کنش‌گفتاری ما به وسیله آن میسر می‌شود، خودش از طریق همین گفتارها بازتولید می‌شود. در واقع این کنش اجتماعی است که دو جنبه

عاملانه و ساختاری دارد و جداکردن این دو جنبه از یکدیگر، اگرچه در مقام تحلیل ممکن باشد، در واقعیت ممکن نیست.

با این وصف مدیریت شیب اجتماعی به جانب تعادل، خودش کنشی است که یک جنبه آن در روایت فرهنگی و ایده میان‌ذهنی سازگار با واقعیت منعکس است و جنبه دیگرش در الگویی که امکان تجربه تکرارشونده هم‌سو با آن ایده و روایت را در دسترس قرار می‌دهد. این ترکیب هماهنگ باید به احساسات اقشار و آحاد جامعه راه پیدا کند و در ظرف توهم و خیال آنها بازنمایانده شود تا به صورت حافظه جمعی، فرهنگ عمومی و زبان مشترک در جامعه پدیدار شود و به مثابه یک روح جمعی، سایر شئون و مراتب اجتماعی را در بر بگیرد. کاری که از منظر حکمت متعالیه (هاشم‌نژاد و نعمتی، ۱۳۹۰، صص ۱۲-۲۳)، آن را در ارتباط پیراسته عالم هنر با عالم خیال منفصل می‌توان به انجام رساند. شبیه به طراحی خلاقانه و هنرمندانه یک بازی در یک فضای میان‌ذهنی مبتنی بر یک روایت صادق و جذاب از واقعیت، مخاطبان را به سمت خود جلب می‌کند تا به شوق کامیابی، در آن وارد شوند و قواعد محدودکننده و توان‌بخش آن را بپذیرند و جریان بازی را تا حصول نتیجه مطلوب استمرار ببخشند. این تعبیر از آن حیث که به ساخت اجتماعی به عنوان زمینه نهادی تعاملات انسانی اشاره دارد و بر نقش بازنمایی‌های ذهنی یا همان ساختارهای اعتباری در فهم مشترک انسان‌ها از یکدیگر (حسینی و موسوی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۰) تأکید می‌کند، نظیر همان چیزی است که وینچ و ویتگنشتاین متأخر، از آن به بازی زبانی یا شیوه‌های مختلف زندگی تعبیر کرده‌اند (پایا، ۱۳۸۲، صص ۲۵۳-۲۵۲ و کیشمشکی، ۱۳۹۶). جان سرل نسبت میان این بازی زبانی و واقعیت‌های نهادی را این‌گونه بیان می‌کند: «پول، ملک و دیگر پدیده‌های نهادی، مثل امتیازات در بازی فوتبال هستند؛ میل به کسب امتیاز، مستقل از نظام بازنمایی و محاسبه امتیازات که اجتماع آن را پذیرفته است، هیچ محتوایی ندارد» (جان سرل، ۱۴۰۱، ص ۱۴۰).

از سوی دیگر بازنمایی مقوله کنش در قالب استعاره بازی - به مثابه موقعیتی که سود یک موجودیت از رفتار و تصمیمات موجودیت‌های دیگر متأثر است (عبدلی، ۱۴۰۱، ص ۴) -

با رویکردهای راهبردی که در چارچوب نظریه بازی‌ها اتخاذ می‌شوند نیز بی‌شبهت نیست و چندان که رابرت اکسلراد در کتاب *تطور همکاری مطرح نموده*، همکاری زمانی به یک انتخاب عقلانی تبدیل می‌شود که در چارچوب «بازی‌های تکرارشونده» امکان‌پذیر باشد (میر، ۱۴۰۱، ص ۷۰)؛ همچنین اهتمام نظریه بازی به «تحلیل روش‌های همکاری یا رقابت و شبیه‌سازی موقعیت‌های راهبردی تضاد - منافع با استفاده از مدل‌های ریاضی» (میرسون، ۱۹۹۱، صص ۷-۱۱)، در فرایند سیاست‌گذاری کنش اجتماعی در چارچوب نظریه اعتباریات، با «معماری تجربه تکرارپذیر» - چندان که در ادامه خواهد آمد - متناظر است. در مطالعات خط‌مشی‌گذاری نیز برخی پژوهشگران برای درک و ترسیم ماهیت ساخت‌گرایانه مسائل اجتماعی از استعاره بازی استفاده کرده‌اند و بازی مسائل اجتماعی را به عنوان یک بازی سیاسی مورد توجه قرار داده‌اند (دانایی‌فر، ۱۳۹۸، ص ۹۱).

البته تفاوت مهم کاربرد استعاره بازی ذیل نظریه اعتباریات در این است که اینجا طراح و بازی‌گردان بازی‌واره اجتماعی به دنبال خلق موقعیت‌هایی برای کوشش انسان در مسیر حیات و ابقای وجود است تا کامیابی این جهانی کنش‌گران را در امتداد کام‌روایی آن جهانی‌شان ممکن و میسر سازد (طباطبایی، ۱۳۸۲، صص ۱۵۱-۱۵۸)؛ از این‌رو همواره باید بکوشد «تناسب بازی اجتماعی با طبیعت کنش‌گران انسانی و کارآمدی‌اش برای تحقق اهداف تکوینی حاکم بر آفرینش آنها» را برقرار نگه دارد و گرنه در نظر علامه آن رویه‌ای که جدّ و جهد بر مدار واقعیت نباشد، بازی به معنای شوخی و سرگرمی باطل (طباطبایی، ۱۳۸۲، صص ۸۴-۸۵) خواهد بود.

۲-۴. دلالت‌های سیاستی نظریه اعتباریات برای همکاری و ساخت کنش اجتماعی

چندان که از بررسی ساختار اجتماعی کنش در نظریه اعتباریات به دست آمد، این نظریه نیاز متقابل و منفعت جمعی را پیش‌نیاز تحقق کنش جمعی می‌داند؛ اما وجود منفعت جمعی را مفروض نمی‌انگارد و از نقش طرح‌واره‌های ذهنی و روایت‌های فرهنگی در برساخت منفعت و خیر جمعی غافل نیست؛ ولی تنها برساخت‌های سازگار

با واقعیت را که در عمل هم به تعین واقعیت بینجامند، مفید و شایسته توجه و تصدیق معرفی می‌کند؛ همچنین در این چارچوب هریک از دو عنصر نهاد و روایت به تنهایی برای رفع موانع کنش ناکافی تلقی می‌شوند و در مقابل مقتضای نظریه اعتباریات در سیاست‌گذاری اجتماعی، ایجاد توجه و تصدیق در متن روایت و در جریان تجربه‌های مکرری است که بازنمایی تکاملی روایت در حافظه جمعی را در پی داشته باشد. تجربه‌هایی که در چارچوب‌های نهادی هم‌سو با روایت، قابل معماری هستند و ضامن این هم‌سویی وجود یک نهاد فرمان‌روایی اجتماعی در جامعه است. با این وصف راه‌حل‌های نظریه اعتباریات برای چالش‌های همکاری دست‌کم به صورت اجمالی مشخص می‌شود (جدول شماره ۱)؛ اما برای طرح تبیین دقیق‌تر از وجوه تمایز دلالت‌های سیاستی نظریه اعتباریات، باید به تشریح گام‌های اساسی سیاست‌گذاری کنش جمعی در چارچوب این نظریه پرداخت.

جدول شماره ۱: راه‌حل‌های نظریه اعتباریات برای موانع کنش جمعی

موانع کنش جمعی	راه‌حل‌های نظریه اعتباریات
احساس منفعت جمعی	تا اهمیت و فوریت نیاز و فایده‌مندی کنش برای رفع نیاز به صورت بینادذهنی برساخته نشود، کنش منتفی است و برساخت‌های ذهنی زمانی با ارزش‌اند که با واقعیت تناسب داشته باشند و برای رفع بهینه نیاز کارآمد باشند.
انگیزه همکاری	رضایت‌مندی ذهنی حاصل از نتایج تجربه‌های مکرر قبلی (همه تجربه‌های شخصی و عمومی قابل بازنمایی در ذهن)
خاطر جمعی از دیگران	تضمین بقای بین‌الاذهانی منفعت میان طرفین همکاری در چارچوب نهاد حافظ تعادل در تعاملات اجتماعی
هماهنگی در همکاری	ایجاد زبان مشترک تولید و تبادل ارزش در چارچوب معماری تجربه‌های تکرارپذیر

۵-۲. گام‌های اصلی سیاست‌گذاری پیشرفت به مثابه کنش جمعی در چارچوب نظریه اعتباریات

چندان که نظریه اعتباریات درباره نقش واسط ادراکات اعتباری و به‌طور خاص اعتبار استخدام در شکل‌گیری کنش انسانی و اجتماعی رهنمون شد و با توجه به اینکه اعتبارات اجتماعی برای مفید واقع شدن در تأمین سعادت انسان، باید با حقایق حاکم بر هستی سازگار باشند، و همچنین نظر به لزوم امداد عقول ضعیف‌تر توسط عقول قوی‌تر در لایه‌های عام ادراک (حس و خیال) و در محیطی که بازی‌واره اجتماعی خوانده شد، مشابه آنچه جسی شل^۱ و دیگران^۲ درباره ارکان اصلی بازی‌ها مطرح کرده‌اند، می‌توان گام‌های عمده در ساخت اعتباری بازی‌واره اجتماعی را متناظر با فرایند کنش در نظریه اعتباریات علامه به شرح زیر برشمرد (ترتیب منطقی ذکر شده برای این گام‌ها به منزله ترسیم یک فرایند خطی نیست؛ بلکه نظام حکمرانی و جامعه در تعامل با یکدیگر بازی‌واره‌ها را شکل می‌دهند و تکامل می‌بخشند):

الف) ایجاد زمینه تصدیق بیرونی مقصد و مسیر کنش توسط نظام فرمان‌روایی اجتماعی. تصدیق بیرونی در اینجا به معنی پذیرش جمعی اعتبار با استناد به مطابقت و موافقت آرای عقلا است (اولیائی، ۱۳۸۹، صص ۱۲۶-۱۲۷ و ۲۲۵) و عقلاً به حسب تعریف علامه (طباطبایی، ۱۴۲۸، ص ۳۵۱)، دانایان و خبرگانی را شامل می‌شوند که به‌واسطه دانش و درایت ممتازشان در حوزه‌های مختلف یا یک حوزه خاص، از مرجعیت اجتماعی یا صلاحیت چنین مرجعیتی برای سنجش و ارزیابی معقول منافع عمومی به‌طور مطلق یا مقید برخوردارند. ارزیابی‌هایی که در آن از یک‌سو نیازهای متنوع و گاه متضاد عرضه شده در اجتماع به حسب اهمیت و اولویت‌شان، براساس مقتضای واقعی پیشرفت مادی و معنوی انسان و جامعه

۱. جسی شل، زاده ۱۳ ژوئن ۱۹۷۰، طراح و نویسنده بازی‌های ویدیویی و استاد مرکز فناوری سرگرمی و برنامه کارشناسی ارشد مشترک بین کالج هنرهای زیبا و دانشکده علوم کامپیوتر پنسیلوانیا، چهار عنصر مکانیک (قوانین و روش)، روایت، زیبایی‌شناسی و فناوری (بستر تجربه و تعامل) را برای تجزیه و تحلیل یک بازی پیشنهاد می‌کند (شل، ۲۰۰۸، صص ۴۱-۴۲).

۲. الکسیو و سی‌شپیز هم عناصر بازی‌های مدرن را در چارچوب سه‌گانه زیبایی‌شناسی، روایت و سیستم (قوانین و مکانیک) بازی مفهوم‌سازی کرده‌اند (الکسیو، سی‌شپیز، ۲۰۱۸، صص ۲۵۴۶-۲۵۴۷).

(طباطبایی، ۱۴۰۱، ص ۵۱)، قیاس می‌شوند و از سوی دیگر روش‌های مختلف ارائه‌شده برای رفع نیازها، به حسب کارایی و کارآمدی در تأمین هدف و افزایش حس مطلوبیت (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۱۷۴)، با ملاحظه نتایج تجربه‌های گوناگون قبلی مورد مقایسه قرار می‌گیرند. ناگفته پیداست که چنین ارزیابی‌هایی، «چرخه‌های به هم پیوسته‌ای از تضارب آزاد و منطقی آرا» در سلسله‌مراتب و مراحل گوناگون سیاست‌گذاری اجتماعی را با مشارکت همه دانایان اقشار مختلف جامعه ایجاب می‌کند. امری که علامه آن را لازمه پیشرفت فرهنگی و کلید خوشبختی و سعادت معرفی کرده است (طباطبایی، ۱۳۸۲، صص ۲۲۸-۲۳۶).

ب) ایجاد زمینه تصدیق درونی مقصد و مسیر کنش در جامعه. این کار در نتیجه گام قبلی و در چارچوب تشبیه و تمثیل و مجموعه مفاهیم و قضایای استعاری (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۲، صص ۱۵۷-۱۶۲) یا صورت‌های حسی حکایت‌گر معنا (طباطبایی، ۱۴۰۱، ص ۱۱۹) که وسیله نازل کردن کلیات به جزئیات محسوب می‌شوند (طباطبایی، ۱۴۰۱، ص ۱۵۷) ممکن می‌شود. روایت^۱ یا انگاره ذهنی مشترک می‌تواند خردمایه توجه کنش‌گران متعدد به سمت و سوی معقول باشد و آن‌ها را برای مواجهه با سیر وقایع پیش‌رو، مشتاق و مهیا کند و نحوی از کنشگری را از جمله در محدوده خیال و واهمه ایشان به کاری سودمند و امری مطلوب و بایسته بدل سازد.

علامه داشتن تصویری از آینده ایده‌آل را هم لازمه معقول سیر اجتماعی انسان به جانب آرمان تکوینی خود می‌داند، هم با ارائه شواهد نقلی نشان می‌دهد که اسلام با روایت حیات معقول آینده، از حیات درونی پیروان واقع‌بین خود حفاظت می‌کند و شوق حرکت و پایداری در مسیر سعادت موعود و آن سرنوشت دوست‌داشتنی و دستیافتنی را در ذهن و دل آنها زنده نگه می‌دارد (طباطبایی، ۱۳۸۲، صص ۷۱-۷۵).

روایت به یک تعبیر (جان سرل، ۱۴۰۱، ص ۱۴۷) مجموعه‌ای از حقوق و الزامات و

۱. جرالد پرینس روایت را بازنمایی زنجیره‌ای از رویدادها و موقعیت‌های واقعی یا تخیلی در یک گستره زمانی معین در قالب نشانه‌گان لفظی، تصویری، استعاری یا آمیزه‌ای نظام‌مند از همه این موارد تعریف نموده است (پرینس، ۱۳۹۱، صص ۸-۱۵)؛ همچنین تولان روایت را توالی ادراک شده وقایعی معرفی می‌کند که ارتباط غیراتفاقی دارند و نوعاً مستلزم وجود شخصیت تجربه‌گر است (تولان، ۱۳۹۳، صص ۱۹).

امتیازات و محرومیت‌ها در نتیجه شکل خاصی از رفتار است و به کنشگر انسانی کمک می‌کند رخدادهای پیش رو را در قاب روایت، شناخت پذیر کند، به حافظه بسپارد، فهم کند، معنا ببخشد، احساس کند، با آن هویت‌یابی کند و متناسب با آن به ایفای نقش پردازد (میر، ۱۴۰۱، صص ۳۳، ۴۱ و ۱۱۷-۱۳۴). غرض اینکه روایت به مثابه یک چارچوب ذهنی در تحلیل شرایط، می‌تواند زمینه همسویی کنش‌گران را در مقوله‌بندی و این‌همان‌نگاری مسائل و پدیده‌های اجتماعی و واکنش به آنها فراهم کند.

ج) افزایش زیبایی‌شناختی ضریب تصدیق‌پذیری روایت و مکانیک کنش در جامعه. به هر حال بقای اعتبارات اجتماعی به پذیرش عمومی وابسته است (اولیائی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۹) و عموم در مراحل ابتدایی رشد تدریجی خود، بیشتر تابع احساسات‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۱۸۲ و طباطبایی، ۱۴۰۱، ص ۱۵۵). از سوی دیگر در فرایند کنش از منظر نظریه اعتباریات، هرچقدر اعتقاد و اذعان به چیزی قوی‌تر باشد انجام کار مطابق با آن اعتقاد، کامل‌تر و تمام‌تر است (طباطبایی، ۱۴۲۸ق، ص ۳۷۶) و اراده تا زمانی باقی است که باور و گمان به وجوب عمل باقی باشد (طباطبایی، ۱۴۰۱، ص ۵۱). در این چارچوب، شدت و ضعف فعل، از جهت اراده، تحت تأثیر ادراک است و ادراک، تابعی از توجه به صورت‌های مختلف و شدت و ضعف توجه نیز تابع میل و اشتیاق درونی است (طباطبایی، ۱۴۰۱، ص ۵۵)؛ بنابراین ایجاد و ازدیاد اشتیاق می‌تواند با تشدید توجه، به پایداری بیشتر در عمل بینجامد و چون زیبا به نظر آمدن یک چیز، آن را برای انسان، خواستنی می‌کند (طباطبایی، ۱۴۰۱، صص ۱۱۹-۱۲۱)، برای شوق‌انگیز شدن روایت، از پردازش‌های زیبایی‌شناسانه و نقشی که هنر و ادبیات در این خصوص قادر به ایفای آن هستند نمی‌توان غافل شد. چندان که علامه با استناد به معانی به کار رفته در محتوای تشویق‌ها و ترغیب‌ها و قالب‌های انتقال این معانی، تلبیس ذهنی چیزها به امری حقیقی و ثابت را یکی از راه‌های تشدید اعتقاد و اذعان به آن‌ها معرفی می‌کند که ضرورت این تلبیس مغالطه‌آمیز، وقتی پای باورهای مخالف در کار باشد بیشتر و شدیدتر هم می‌شود (طباطبایی، ۱۴۲۸ق، صص ۲۷۶-۳۷۷).

درواقع با برانگیخته‌شدن احساس کنش‌گر پیش از هرگونه مواجهه عقلانی و اندیشه‌ورزانه او ابتدا خود در معرض همدلی با مضمون روایت قرار می‌گیرد و سپس به

بازنمایی زیبایی شناختی آن مضمون می‌پردازد و زمینه هم‌زمانی و همدلی بیشتر با آن را در سطح جامعه فراهم می‌سازد و با راه‌یافتن این چرخه به عرصه هنر و ادبیات، این بازنمایی اجتماعی مکرر شتاب می‌گیرد و وسعت پیدا می‌کند. چندان که از جمله جیمسون آثار ادبی را از اساس به مثابه راه‌حل‌های نمادین برای مسائل اجتماعی واقعی در نظر می‌گیرد که تنها به نحوی ناخودآگاه احساس می‌شوند (جیمسون، ۱۴۰۰). یا سرل فهم اقتضائات ناخودآگاه یا آنچه «زمینه» می‌خواند (جان سرل، ۱۴۰۱، صص ۲۳۶-۲۶۵) را برای صورت‌بندی یک روایت اثرگذار بسیار مهم می‌شمارد. البته در نظریه علامه «ناخودآگاه» نه به معنای پیروی ناگزیر انسان از حدس و گمان، بخاطر دست‌نیافتنی بودن اصل ادراک مانع نقیض (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۱۱) یا الغای اعتبار علم (صورت علمی را همان واقعیت خارج انگاشتن) در فرایند صدور فعل، بلکه به معنای ابتدای عمل بر اعتبار ظن اطمینانی (گمان قوی را علم حساب کردن)، به عنوان یکی از اعتبارات عمومی مطرح است (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۲، صص ۲۱۰-۲۱۲) و بر همین مبنای زیبایی‌شناسی در برانگیختن ناخودآگاه جامعه اهمیت پیدا می‌کند، همچنانکه نقش حماسه‌سرایی در شکل‌گیری هویت اجتماعی و تاریخی ایرانیان و تحکیم پیوند جامعه شیعی با مفاهیم آرمانی‌اش (قانعی، ۱۴۰۲، صص ۴۰۴ - ۴۱۵) نمونه‌ای از همین قوه انگیزشی نیرومند است.

د) معماری تجربه تکرارپذیر کنشگری توسط نظام فرمان‌روایی اجتماعی. با توجه به این که در نظریه اعتباریات «تکرار» با ایجاد ملکه و علم راسخ (طباطبایی، ۱۴۰۱، ص ۸۳)، اعتبار و جوب را تحت الشعاع قرار می‌دهد (طباطبایی، ۱۴۲۸ق، ص ۳۷۷)، روایتی می‌تواند از بقای اجتماعی برخوردار شود که برای جامعه، تجربه‌پذیر و تکرارپذیر باشد. اجتماعی شدن یک تجربه هم چون محتاج تفهیم و تفاهم است (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۱۸)، پای زبان مشترک را وسط می‌کشد و از آنجا که زبان طبیعی بشر در صحنه اجتماع، زبان به خدمت گرفتن و به خدمت در آمدن برای رفع بهینه نیاز است (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۲، صص ۲۰۵-۲۰۹)، این زبان مشترک در نهایت همان زبان درک متقابل ارزش کار و نتایج آن (طباطبایی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۶) است که در دنیای امروز با الفاظ و ادبیات اقتصادی رواج دارد (پیغامی و حسینی، ۱۳۹۴، ص ۷۱). البته اقتصاد نه به عنوان «نظریه‌ای عمومی در باب

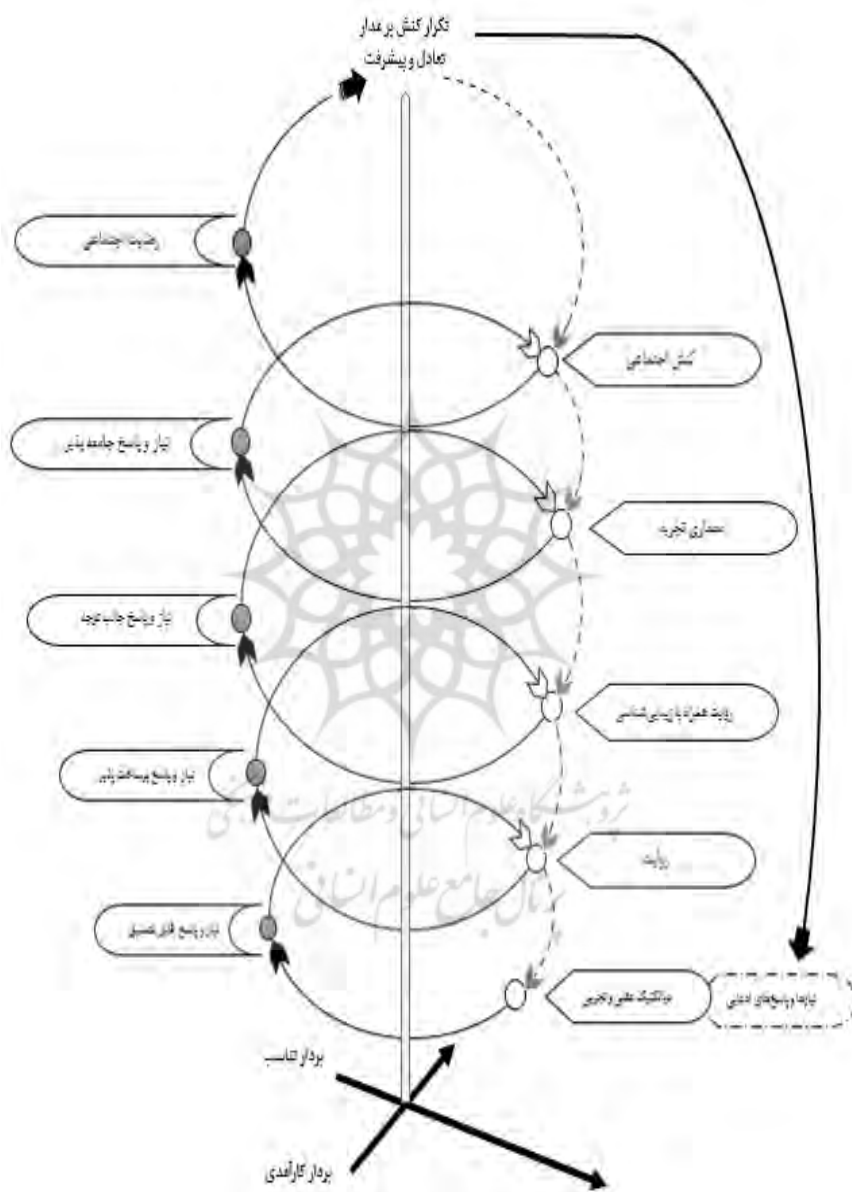
کنش انسان^۱ یا «یک علم دست به گریبان با آشفتگی‌ها و پریشانی‌های روش‌شناسانه میان نظریه‌های عینی و ذهنی ارزش» (بوکانان، ۱۳۹۰، ص ۲)، که به مثابه زبان عمومی و همه‌فهم تصدیق و تبادل ارزش مدنظر است. ارزش هم در اینجا بسته به رابطه‌ای است که هر خدمت با ابقا و ارتقای وجودی انسان و جامعه پیدا می‌کند. آنگاه چون مقتضای عدالت آن است که هر فرد و هر قشری به حسب وزن و خدمتش در اجتماع، بهره ببرد (طباطبایی، ۱۳۸۲، ص ۸۷)، این اقتصاد با اعتدال میان ارزش خدمت و بهره از یک سو و اعتدال در اجابت انواع نیازهای انسان و جامعه از سوی دیگر به سامان می‌شود و فرصت‌های برابر را برای خلق و تبادل همگانی ارزش در جهت آینده‌های معقول و دست‌یافتنی پدید می‌آورد. با این وصف تعادل بازی در نظریه اعتباریات صرفاً با چیزهایی مثل نفی ریاضی انگیزه تخطی بازیگران از الگوی بازی (عبدلی، ۱۴۰۱، ص ۶۵)، اثبات نمی‌شود بلکه این تعادل زمانی برقرار است که بیشترین انگیزه بازیگران به موقعیت‌هایی معطوف باشد که بهتر میان موفقیت مقطعی و سعادت دائمی آنها پل می‌زنند.

۲-۶. فرایند اجتماعی و سیاستی ساخت واقعیت در چارچوب نظریه اعتباریات

اگر بخواهیم گام‌های فوق را با سه عنصر کلیدی مدنظر برگر و لاکمن در فرایند ساخت اجتماعی یعنی: برونی‌سازی، شیء‌گونه‌سازی و درونی‌سازی (دانایی‌فر و جوانعلی آذر، ۱۳۹۸، ص ۳۵) مطابقت دهیم، «برونی‌سازی واقعیت مشترک» در چارچوب تصدیق بیرونی قوانین و روش کنش انجام می‌پذیرد، «شیء‌گونه‌سازی» با روایت‌پردازی، پرداخت زیبایی‌شناسانه و معماری تجربه به سامان می‌رسد و درنهایت «درونی شدن» واقعیت برساختی در اذهان عمومی امری است که با جامعه‌پذیر شدن ادراکات معقول تحت تأثیر روایت‌ها و تجربه‌های برانگیزاننده، اتفاق می‌افتد و در کنش‌های اعضای جامعه بازتاب پیدا می‌کند و خاطره این نحوه کنش‌گری به شرط رضایت‌بخش بودن برای کنش‌گران، دوباره و چندین و چند باره به واسطه آنها چرخه اجتماعی ساخت واقعیت را تحت تأثیر

۱. به نقل از لودویگ فن میزس.

قرار خواهد داد و به این ترتیب کنش اجتماعی به شرط استقرار در میانه تناسب و کارآمدی (شکل شماره ۱) به جانب پیشرفت میل می کند.



شکل شماره ۱: فرایند فرهنگی شکل گیری کنش اجتماعی معطوف به پیشرفت بر اساس نظریه اعتباریات

همچنین با در نظر گرفتن مراحل عمده خط‌مشی (Shiffman, 2017؛ سلطانی و صاحبی‌نژاد، ۱۴۰۱، ص ۸۶) می‌توان رویکرد متفاوت نظریه اعتباریات به سیاست‌گذاری اجتماعی را در نسبت با مدل‌های خط‌مشی‌گذاری ساخت‌گرا^۱ (جدول شماره ۲) مورد تأمل قرار داد.

جدول شماره ۲: مقایسه رویکرد سیاستی نظریه اعتباریات با رویکردهای ساخت‌گرا در خط‌مشی‌گذاری

مدل مبنتی بر نظریه اعتباریات	مدل دانیلین لوزیک (دانایی فر و جوانعلی آذر، ۱۳۹۸، ص ۱۵۵)	مدل اشنايدر و اینگرام	مدل خط‌مشی‌گذاری ◀ مراحل خط‌مشی‌گذاری
تصدیق بیرونی عقلا - روایت زیبایی‌شناختی از مسئله - تصدیق درونی مردم	طرح ادعا توسط دانشمندان و سایر نخبگان - پذیرش ادعا توسط عموم مردم	ساخت‌های اجتماعی جمعیت‌های هدف به ارائه پاسخ‌های بهرتر به پرسش	تنظیم دستورکار (ساخت مسئله)
معماری تجربه تکرارپذیر در چارچوب زبان مشترک تولید و تبادل ارزش به همراه روایت زیبایی‌شناختی از راه‌حل	بازتعریف شرایط اجتماعی در قالب مقوله‌های قربانی و مقصر و ساخت راه‌حل توان‌تر از راه‌حل‌های رقیب و جلب حمایت سیاست‌گذاران برای پشتیبانی از راه‌حل و پیگیری آن	پایدار لاسول (۱۹۳۶) کمک می‌کند، چه کسی چه چیزی، چه زمانی و چگونه به دست می‌آورد؟ (Schneider & Ingram, 1993, p. 346)	تدوین خط‌مشی

۱. مدل خط‌مشی‌گذاری ساخت‌گرا (از جمله مدل اشنايدر و اینگرام و مدل دانیلین لوزیک) در امتداد نظریه‌های ساخت اجتماعی واقعیت تلاش می‌کند فرایند خط‌مشی عمومی را به عنوان واقعیتی تصویر کند که به صورت اجتماعی ساخته می‌شود (دانایی فر و جوانعلی آذر، ۱۳۹۸، صص ۷۶-۱۵۴ و ۱۸۸).

مدل مبنی بر نظریه اعتباریات	مدل دانیلین لوزیک (دانایی فر و جوانعلی آذر، ۱۳۹۸، ص ۱۵۵)	مدل اشنایدر و اینگرام	مدل خط‌مشی‌گذاری ◀ مراحل خط‌مشی‌گذاری
تجربه تعاملی کنش‌گران در چارچوب اعتبارات رسمیت یافته بر محور تعادل	دادن رسمیت قانونی به راه‌حل و عینیت‌بخشیدن به آن در قالب تغییر شرایط فیزیکی، اجتماعی و ارزشی نامطلوب		اجرای خط‌مشی
تصدیق بیرونی و درونی مجدد براساس نتایج تجربی کنش	-		ارزیابی خط‌مشی

نتیجه‌گیری

با ابتنای سیاست‌گذاری بر نظریه اعتباریات، پیشرفت به مثابه کنش متوازن اجتماعی در جهت تمامیت وجودی انسان و جامعه، نیازمند بقای بین‌الذهانی توجه و تصدیق کنش‌گران نسبت به اهداف و روش‌هایی است که هم با واقعیت و کمال وجودی تناسب داشته باشند هم برای بازنمایی ثمربخش خیر و سعادت در واقعیت اجتماعی کارآمد باشند. فضای شبیه‌سازی‌های بین‌ذهنی که توجه و تصدیق اجتماعی محصول آن است، تنها به شرطی به محیط موازنه میان این تناسب و کارآمدی تبدیل می‌شود که بر پایه تضارب آزاد و منطقی آرای عقلا شکل گرفته باشد و به نتایج آن پایبند باشد. ذهنیت حاصل از این آزاداندیشی هنگامی که به واسطه تجربه‌های مکرر و رضایت‌آمیز همگانی امکان تجدید و تکامل پیدا کند، فرهنگ جامعه را شکل می‌دهد و در متن و حاشیه‌های یک روایت اجتماعی و انبوه خرده روایت‌های مرتبط با آن بازنمایی می‌شود. تقارن تفهیم و تفاهم اجتماعی با انگاره‌های ذهنی و نیز پیوند این انگاره‌ها با مفاهیم و

مصادیق خیر و شر و نفع و ضرر، حکایت از آن دارد که چنین فضایی از یک سو با جلوه‌های زیبایی‌شناختی جوشیده از حس و خیال اجتماعی در ارتباط است و از سوی دیگر با هزینه فایده‌های مادی و معنوی که بازتاب ارزیابی‌ها و ارزشیابی‌های مردم است نسبت دارد و درنهایت به صورت یک زبان مشترک در جامعه مجال تحقق پیدا می‌کند و با مفاهیم و قواعد پذیرفته شده‌اش در میان مردم فراگیر می‌شود؛ از این رو برای خلق و گسترش زبانی مشترک که اولاً، واقعیت در چارچوب آن برای همگان برساخت‌پذیر باشد، ثانیاً، سازگاری با واقعیت در چارچوب قواعد آن ارزش تلقی شود و ثالثاً، برای تفاهم و تبادل ارزش در میان اقشار مختلف جامعه کارآمدی لازم را داشته باشد، تحقق سه شرط عمده در جامعه ضرورت دارد:

۱. امکان تضارب آزاد و منطقی افکار و آرا درباره مناسبت اهداف و کارآمدی

ابزارها و روش‌های سیاسی

۲. تجربه‌پذیر شدن روایت اجتماعی از پیشرفت برای همه کنشگران در محیط

بازی‌واره‌های اجتماعی اقتصادی

۳. امکان بازنمایی‌های مکرر از روایت اجتماعی درباره سیاست‌های پیشرفت در

چارچوب‌های زیبایی‌شناختی

می‌توان گفت فرهنگ پیشرفت، با مشارکت اجتماعی مداوم برای بازنمایی معقول و مفید آینده مطلوب در نقطه تعادل پیوند نظری و عملی با واقعیت، شکل می‌گیرد و گام‌های عمده در طراحی فرهنگی مسیر پیشرفت شامل «تضمین تضارب آرای واقعیت‌شناختی و غایت‌شناختی»، «تضمین بازی‌وارگی تجربه‌انگیز و تجربه‌ساز» و «تضمین بازنمایی اجتماعی زیبایی‌شناسانه»، هر کدام پای تدابیر و تمهیداتی را پیش می‌کشند که با پرداختن به آنها می‌توان زمینه مساعدتری را برای صورت‌بندی نظریه سیاسی پیشرفت اسلامی ایرانی بر پایه رهنمودهای نظریه اعتباریات فراهم کرد. کاری که پژوهش‌های بعدی با پیگیری نسبت میان این گام‌ها و مؤلفه‌های طراحی سیاست قادر به انجام آن خواهند بود.

فهرست منابع

- ابراهیمی پور، قاسم. (۱۳۹۳). کنش متقابل اجتماعی از منظر علامه طباطبایی. فصل نامه علمی - پژوهشی معرفت فرهنگی اجتماعی، ش ۳، صص ۱۹-۴۰.
- اولیائی، منصوره. (۱۳۸۹). واقعیت اجتماعی و اعتباریات از دیدگاه علامه طباطبایی و جان سرل تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- بوکانان، جیمز. (۱۳۹۰). آشفستگی های علم اقتصاد؛ آیا اقتصاد علم انتخاب است (مترجم: محسن رنجبر). روزنامه دنیای اقتصاد، ش ۲۴۱۶، ص ۴۱۰۶۲۳.
- پایا، علی. (۱۳۸۲). فلسفه تحلیلی؛ مسائل و چشم اندازها. تهران: طرح نو.
- پرینس، جرالد. (۱۳۹۱). روایت شناسی: شکل و کارکرد روایت (مترجم: محمد شهبان). تهران: مینوی خرد.
- پیغامی، عادل؛ حسینی، سیدجعفر. (۱۳۹۴). مقدمه ای بر روش شناسی الگوهای اسلامی- ایرانی پیشرفت. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- تولان، مایکل. (۱۳۹۳). روایت شناسی، درآمدی زبان شناختی - انتقادی (مترجمان: سیده فاطمه علوی و فاطمه نعمتی، چاپ دوم). تهران: سمت.
- جلائی پور، حمیدرضا؛ محمدی، جمال. (۱۳۹۴). نظریه های متأخر جامعه شناسی (چاپ ششم). تهران: نشر نی.
- جیمسن، فردریک. (۱۴۰۰). ناخودآگاه سیاسی (روایت همچون کنش نمادین اجتماعی) (مترجم: حسین صافی). تهران: نیماژ.
- حسینی، سیدحمیدرضا؛ موسوی، هادی. (۱۳۹۵). نظریه اعتباریات به مثابه فرانظریه اجتماعی نزد علامه طباطبایی و محقق عراقی. مجله علمی - پژوهشی حکمت اسلامی، (۲۰)، صص ۱۰۱-۱۳۵.
- حسین زاده دیلمی، علی رضا؛ واعظی، احمد و هاشمیان، سیدمحمدحسین. (۱۴۰۳). دلالت های

نظریه اعتباریات برای فرهنگ. دوفصلنامه علمی - پژوهشی دین و سیاست فرهنگی، (۱۱)، ۱، آماده انتشار.

دانایی فرد، حسن؛ جوانعلی آذر، مرتضی. (۱۳۹۸). خط‌مشی‌گذاری عمومی و ساخت اجتماعی واقعیت. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

روحانی، محمدرضا. (۱۳۹۵). تحلیل کنش اجتماعی مبتنی بر نظریه اعتباریات علامه طباطبایی با تمرکز بر مسئله معنا به عنوان مقوله محوری در نظریه‌های کنش. تهران: دانشگاه تهران. سرل، جان. (۱۴۰۱). ساخت واقعیت اجتماعی (مترجم: جواد عابدینی). قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

سلطانی، علی محمد؛ صاحبی نژاد، مجید. (۱۴۰۱). پایایی سیاست‌گذاری فناوری نانو در ایران؛ تحلیل کیفی سیاست. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، ۲(۸)، صص ۸۳-۹۹. سیدمن، استیون. (۱۳۹۵). کشاکش آرا در جامعه‌شناسی (مترجم: هادی جلیلی، چاپ ششم). تهران: نشر نی.

طارمی، سارا؛ مصلح، علی صفر و کیاشمشکی، ابوالفضل. (۱۴۰۰). نقد تکنولوژی‌های نوین ارتباطاتی با نظر به آرای انتقادی فینبرگ و مبتنی بر نظریه ادراکات اعتباری. نشریه ذهن، ۳(۲۱)، صص ۱۹-۴۵.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان (ج ۲ و ۱۰، مترجم: محمدباقر موسوی همدانی). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۲). شیعه: مذاکرات و مکاتبات پروفیسور هانری کربن با علامه سیدمحمدحسین طباطبایی (تهیه و تنظیم: علی احمدی میانجی و هادی خسروشاهی). تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۷). آغاز فلسفه (ترجمه بدایة الحکمة) (مترجم: محمدعلی گرامی، گردآوری: سیدهادی خسروشاهی) (قم: بوستان کتاب).

طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۹). روابط اجتماعی در اسلام (مترجم: محمدجواد حجتی کرمانی، گردآوری: سیدهادی خسروشاهی). قم: بوستان کتاب.

- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۱). انسان از آغاز تا انجام (مترجم: صادق لاریجانی، گردآوری: سیدهادی خسروشاهی). قم: بوستان کتاب.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۷). اصول فلسفه و روش رئالیسم (ج ۱ و ۲). تهران: انتشارات صدرا.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۸). رساله الولایه (سفرنامه سلوک) (مقدمه و مترجم: علی طباطبایی). قم: انتشارات مطبوعات دینی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۰۱). النبوات و المنامات (مترجمان: سعید حسنزاده و امیرحسین سلیمانی). تهران: فیض فرزاد.
- عبدلی، قهرمان. (۱۴۰۱). نظریه بازی‌ها و کاربردهای آن (بازی‌های ایستا و پویا با اطلاعات کامل). تهران: انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی.
- العلامه الطباطبایی، السید محمدحسین. (۱۴۲۸ق). مجموعه رسائل العلامه الطباطبایی (الاعتباریات) (محقق: الشیخ صباح الربیعی). قم: باقیات.
- قانع، فرزاد. (۱۴۰۲). نظریه ادبیات شیعی درآمدی بر اصالت حماسه در فرهنگ تشیع. تهران: انتشارات سوره مهر.
- کیاشمشکی، ابوالفضل. (۱۳۹۵). اعتباریات یا این همان‌انگاری بهترین مدل مطالعات انسانی (مصاحبه‌کننده: علی محمدی). فصل‌نامه علوم انسانی صدرا، ش ۱۹، صص ۱۷-۲۷.
- کیاشمشکی، ابوالفضل. (۱۳۹۶). فلسفه عمل با نگاهی به دیدگاه علامه طباطبایی در رساله المنامات و النبوات. قیسات، ش ۲۲، صص ۱۰۵-۱۲۴.
- مؤمنی‌راد، اکبر؛ علی‌آبادی، خدیجه؛ فردانش، هاشم و مزینی، ناصر. (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، (۴)، ۱۴، صص ۱۸۷-۲۲۲.
- میر، فردریک دبلیو. (۱۴۰۱). روایت و کنش جمعی؛ چرا فراخوان‌های اجتماعی و سیاسی به داستان نیاز دارند؟ (مترجم: الهام شوشتری‌زاده). تهران: نشر اطراف.
- واعظی، احمد؛ معلمی، سیدمحمد. (۱۳۹۸). مؤلفه‌ها و ویژگی‌های متن اجتماعی؛ با تأکید بر

References

- Abdoli, Q. (2022). *Game theory and its applications: Static and dynamic games with complete information*. Tehran: Jihad Daneshgahi Organization Publications. [In Persian]
- Al-Allama al-Tabatabai, S. M. H. (2007). *Collection of treatises of Allama Tabatabai (I'tibariyyat)* (S. Al-Rabi'i, Ed.). Qom: Baqiyat. [In Arabic]
- Alexiou, A., & Schippers, M. C. (2018). Digital game elements, user experience, and learning: A conceptual framework. *Education and Information Technologies*, 23, pp. 2545–2567.
- Alvani, S. M., Tavakkoli, A., & Bagheri-Fard, M. H. (2015). Cultural policymaking in a religious state. *Islamic Governance Research Quarterly*, 20(1), pp. 173–206. [In Persian]
- Buchanan, J. (2011). The turmoil of economics; Is economics the science of choice? (M. Ranjbar, Trans.). *Donya-e-Eqtasad Newspaper*, (2416), 410623. [In Persian]
- Danaeefard, H., & Javan Aliazar, M. (2019). *Public policy and the social construction of reality*. Tehran: Imam Sadiq University. [In Persian]
- Ebrahimi-Pour, Q. (2014). Social interaction from the perspective of Allama Tabatabai. *Quarterly Journal of Cultural and Social Knowledge*, (3), pp. 19–40. [In Persian]
- Ghane'i, F. (2023). *Shi'a literature theory: An introduction to the originality of epic in Shi'a culture*. Tehran: Soureh Mehr Publications. [In Persian]
- Giddens, A. (1984). *The constitution of society: Outline of the theory of structuration*. University of California Press.
- Hashemnejad, H., & Nemati, S. J. (2011). Aesthetics in the philosophy of Mulla Sadra. *Journal of Philosophy*, 39(2), pp. 137–161. [In Persian]

- Hassani, S. H., & Mousavi, H. (2016). (I'tibariyyat) theory as a metatheory in social thought according to Allama Tabatabai and Muhaqqiq Iraqi. *Journal of Islamic Wisdom*, 20(4), pp. 101–135. [In Persian]
- Hosseini-Zadeh Deylami, A., Vaezi, A., & Hashemian, S. M. H. (2025). Implications of I'tibariyyat theory for culture. *Biannual Journal of Religion and Cultural Policy*, 11(1). [In Persian]
- Jalal-Pour, H., & Mohammadi, J. (2015). *Late sociological theories* (6th ed.). Tehran: Ney Publication. [In Persian]
- Jameson, F. (2021). *The political unconscious: Narrative as a socially symbolic act* (H. Safi, Trans.). Tehran: Nimaj. [In Persian]
- Kiashmashki, A. (2016). I'tibariyyat or identity equivalence: The best model for human studies (Interviewer: A. Mohammadi). *Sadra Quarterly of Humanities*, 19, pp. 17–27. [In Persian]
- Kiashmashki, A. (2017). Philosophy of action with a view to Allama Tabatabai's perspective in *Treatise on dreams and prophecies*. *Qabasat*, 22, pp. 105–124. [In Persian]
- Meyer, F. W. (2022). *Narrative and collective action: Why social and political calls need stories?* (E. Shushtari-Zadeh, Trans.). Tehran: Atrif Publications. [In Persian]
- Momeni-Rad, A., Ali-Abadi, K., Fardanesh, H., & Mazini, N. (2013). Qualitative content analysis in research methodology: Nature, steps, and validity of results. *Journal of Educational Measurement*, 14(4), pp. 187–222. [In Persian]
- Myerson, R. B. (1991). *Game theory: Analysis of conflict*. Harvard University Press.
- Oliaei, M. (2010). *Social reality and I'tibariyyat from the perspectives of Allama Tabatabai and John Searle*. Tehran: Organization for Research and Publishing of Islamic Culture and Thought. [In Persian]

- Paya, A. (2003). *Analytical philosophy: Issues and perspectives*. Tehran: Tarh-e-No. [In Persian]
- Pighami, A., & Hosseini, S. J. (2015). *An introduction to the methodology of Islamic-Iranian progress models*. Tehran: Imam Sadiq University Press. [In Persian]
- Prince, G. (2012). *Narratology: The form and function of narrative* (M. Shahba, Trans.). Tehran: Minavi Kherad. [In Persian]
- Rouhani, M. R. (2016). *Analysis of social action based on Allama Tabatabai's I'tibariyyat theory with a focus on meaning as a central concept in action theories*. Tehran: University of Tehran. [In Persian]
- Schell, J. (2008). *The art of game design: A book of lenses*. Burlington, MA: Morgan Kaufmann Publishers.
- Schneider, A., & Ingram, H. (1993). Social construction of target populations: Implications for politics and policy. *The American Political Science Review*, 87(2), pp. 334–347.
- Searle, J. (2022). *The construction of social reality* (J. Abedini, Trans.). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
- Seidman, S. (2016). *Contested ideas in sociology* (H. Jalili, Trans., 6th ed.). Tehran: Ney Publication. [In Persian]
- Shiffman, J. (2008). Agenda setting in public health policy. *International Encyclopedia of Public Health*.
- Soltani, A. M., & Sahebinejad, M. (2022). Sustainability of nanotechnology policy in Iran: A qualitative analysis of policy. *Journal of Public Policy*, 8(2), pp. 83–99. [In Persian]
- Tabatabai, S. M. H. (1995). *Tafsir al-Mizan* (Vols. 2 & 10, M. Mousavi Hamadani, Trans.). Qom: Islamic Publications Office. [In Persian]
- Tabatabai, S. M. H. (2003). *Shi'a: Correspondence and discussions with Prof. Henry Corbin* (A. Ahmadi Miyanchi & H. Khosrowshahi, Eds.). Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]

- Tabatabai, S. M. H. (2008). *Beginning of philosophy* (Translation of *Bidayat al-Hikmah*, M. A. Gerami, Trans., H. Khosrowshahi, Ed.). Qom: Bustan-e-Ketab. [In Persian]
- Tabatabai, S. M. H. (2010). *Social relations in Islam* (M. J. Hojjati Kermani, Trans.; S. H. Khosrowshahi, Ed.). Qom: Bustan-e-Ketab. [In Persian]
- Tabatabai, S. M. H. (2012). *Man from beginning to end* (S. Larijani, Trans.; S. H. Khosrowshahi, Ed.). Qom: Bustan-e-Ketab. [In Persian]
- Tabatabai, S. M. H. (2018). *Principles of philosophy and realism method* (Vols. 1 & 2). Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
- Tabatabai, S. M. H. (2019). *Treatise on guardianship (Travelogue of spiritual journey)* (A. Tabatabai, Trans. & Intro.). Qom: Religious Press Publications. [In Persian]
- Tabatabai, S. M. H. (2022). *Prophecies and dreams* (S. Hassanzadeh & A. Soleimani, Trans.). Tehran: Feiz Farzan Publications. [In Persian]
- Taremi, S., Mosleh, A. S., & Kiashmashki, A. (2021). Critique of new communication technologies based on Feinberg's critical views and the I'tibariyyat theory. *Journal of Mind*, 21(3), pp. 19–45. [In Persian]
- Toolan, M. (2014). *Narratology: A linguistic-critical introduction* (S. F. Alavi & F. Nemati, Trans., 2nd ed.). Tehran: Samt. [In Persian]
- Vaezi, A., & Moallemi, S. M. (2019). Components and characteristics of social text: With emphasis on I'tibariyyat theory and its implications for interpreting social phenomena. *Journal of Cultural and Social Knowledge*, 39, pp. 7–24. [In Persian]